بسم‌الله الرحمن الرحیم

[جواز عمل به احتیاط مطلقاً 2](#_Toc431560108)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431560109)

[محدوده عناوین 2](#_Toc431560110)

[حالات مختلف عناوین ثانوی 2](#_Toc431560111)

[حالت اول 2](#_Toc431560112)

[حالت دوم 2](#_Toc431560113)

[حالت سوم 3](#_Toc431560114)

[جمع‌بندی 3](#_Toc431560115)

[افعال جوانحی 3](#_Toc431560116)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc431560117)

[خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه 3](#_Toc431560118)

[تصویرگری‌های نهج‌البلاغه 3](#_Toc431560119)

[شروع خطبه 4](#_Toc431560120)

# جواز عمل به احتیاط مطلقاً

# مرور بحث گذشته

در جلسه گذشته در چند مقام حکم جواز احتیاط موردبررسی قرار گرفت، در اینجا ادعا اجماع شده و اشتهار به شهرت عظیمه شده که در این مقام احتیاط راجح است و دارای مانعی نیست. حاصل بحث گذشته این بود که به‌حکم اولی می‌توان از طریق عقل جواز عمل به احتیاط را صادر نمود.

اما در همین مورد ممکن است، عنوانی از عناوین ثانویه وجود داشته باشد که رافع جواز احتیاط باشد. عناوینی که برخی عقلیه و برخی شرعیه هستند و با عروض آن‌ها دیگر احتیاطی حقیقتاً وجود ندارد. در ذیل این مطلب، چند نکته باید موردتوجه قرار گیرد.

## محدوده عناوین

این بحث در همه مواردی که احتیاط در آن‌ها متصور است می‌تواند عارض گردد و اختصاصی به توصلیات غیر معاملی و غیرعبادی ندارد. همچنان که در انواع شبهات و در احکام الزامیه و غیر الزامیه این عناوین ثانویه می‌تواند جاری شود و احتیاط را از جواز ساقط نماید. چه در احتیاط تکراری و غیر آن باشد که البته به موارد تکراری بیشتر مرتبط است.

این عناوین به‌جایی که فرد یقین به عروض این عناوین داشته باشد منحصر نبوده بلکه در مواردی که احتمال عقلایی نیز وجود داشته باشد، تسری پیدا می‌کند. بعید نیست که این عناوین موارد احتمالی را دربر گیرد که فرد احتمال می‌دهد در این مقام بااحتیاط غرض مولی امتثال نمی‌شود. بنابراین احراز عروض یکی از این عناوین لازم نیست.

## حالات مختلف عناوین ثانوی

## حالت اول

گاهی عروض عنوانی ثانوی بر مکلفی واحد در موضوع واحد عارض می‌شود.

## حالت دوم

گاهی نیز بر مجموعه‌ای بر مکلف واحد جاری می‌شود.

## حالت سوم

حالت دیگر این است که بر اعمال مجموعه مکلفین عارض می‌شود. دو حالت سوم برخلاف این حالت موردبررسی قرار گرفت. طبعاً اگر حتی احتمال عقلایی گفته‌شده بر این حالت سوم عارض شود، دیگر جواز احتیاط زائل خواهد شد.

## جمع‌بندی

بنابراین موضوع این بحث این بود که عناوین ثانویه می‌تواند در جواز احتیاط مؤثر باشد.

### افعال جوانحی

تاکنون سه نوع تکلیف مطرح بود؛ عبادات، معاملات خاص و عام. به نظر می‌رسد غیر از عقود و ایقاعات و غیر از عبادات که هرکدام موانع خاص خود را داشتند، تکالیفی هستند که متقوم به حیثیت علم و اعتقاد هستند که موارد آن در شریعت اندک نیست. بنابراین در این موارد متعلق حکم از مقوله علم و اعتقاد است و ازجمله فعل نیست برخلاف موارد دیگر که حکم به فعل تعلق می‌گرفت و قصدی نیز در پی آن لازم بود.

واجبات اعتقادیه مانند لزوم اعتقاد به غیبت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مقولیه علمیه و همین قسم قرار می‌گیرند.

### نتیجه‌گیری

گاهی عدم احتیاط از مقوله ایست که در آن احتیاط متصور نیست، همانند این قسم که باید در بابی دیگر و مستقل موردبررسی قرار گیرد که ان شاء الله در مقام چهارم موردبحث قرار خواهد گرفت.

#### خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه

این خطبه، خطبه 81 بوده و مشهور است و به خطبه غراء نامیده می‌شود که اواسط آن عرض خواهد شد؛

#### تصویرگری‌های نهج‌البلاغه

از جلوه‌های جذاب نهج‌البلاغه تصویرگری‌های است که در قبال عواقب رفتار انسان در مقطع‌های مختلف او چه دنیا، چه برزخ و چه بهشت وجود دارد که از اثرات فوق‌العاده‌ای برخوردار است. البته اصل این تصویرگری برگرفته از قرآن بوده و در احادیث ادامه داشته و در نهج‌البلاغه به اشکال گوناگون خود به اوج رسیده است که در جای‌جای نهج‌البلاغه موج می‌زند.

این تصاویر به حال انسان، روح و جهت می‌دهد. لذا قدرت تخیل بشر قدرت ارزشمندی بوده و از پایه‌های رشد او می‌تواند محسوب شود. این تصویرگری آینده هرچقدر دقیق‌تر و با تنوع تصویری بیشتری باشد، دارای اثر بیشتری خواهد بود.

#### شروع خطبه

امام در این خطبه می‌فرماید؛

**«أَرْهَقَتْهُمُ الْمَنَایا دُونَ الْآمَالِ وَ شَذَّبَهُمْ عَنْهَا تَخَرُّمُ الْآجَالِ لَمْ یمْهَدُوا فِی سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ یعْتَبِرُوا فِی أُنُفِ الْأَوَانِ فَهَلْ ینْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِی الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غَضَارَةِ الصِّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مُدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا آوِنَةَ الْفَنَاءِ مَعَ قُرْبِ الزِّیالِ وَ أُزُوفِ الِانْتِقَالِ وَ عَلَزِ الْقَلَقِ وَ أَلَمِ الْمَضَضِ وَ غُصَصِ الْجَرَضِ وَ تَلَفُّتِ الِاسْتِغَاثَةِ بِنُصْرَةِ الْحَفَدَةِ وَ الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَعِزَّةِ وَ الْقُرَنَاءِ فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقَارِبُ أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاحِبُ وَ قَدْ غُودِرَ فِی مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِیناً وَ فِی ضِیقِ الْمَضْجَعِ وَحِیداً قَدْ هَتَکتِ الْهَوَامُّ جِلْدَتَهُ وَ أَبْلَتِ النَّوَاهِک جِدَّتَهُ وَ عَفَتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ وَ مَحَا الْحَدَثَانُ مَعَالِمَهُ وَ صَارَتِ الْأَجْسَادُ شَحِبَةً بَعْدَ بَضَّتِهَا وَ الْعِظَامُ نَخِرَةً بَعْدَ قوّت‌ها وَ الْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةً بِثِقَلِ أَعْبَائِهَا مُوقِنَةً بِغَیبِ أَنْبَائِهَا لَا تُسْتَزَادُ مِنْ صَالِحِ عمل‌ها وَ لَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَیئِ زَلَلِهَا أَ وَ لَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْقَوْمِ وَ الْآبَاءَ وَ إِخْوَانَهُمْ وَ الْأَقْرِبَاءَ تَحْتَذُونَ أَمْثِلَتَهُمْ وَ تَرْکبُونَ قِدَّتَهُمْ»[[1]](#footnote-1)**

اجل آمال انسان را درهم خواهد ریخت و شخص را در چنگ خود خواهد گرفت. در نقطه‌ای دست از همه‌چیز کوتاه خواهد شد. درحالی‌که وقتی بدن سالم بود قدمی برداشته نشد و عبرتی حاصل نشد. و اکنون فرصت به پایان رسید. آیا قصه روزگار غیر این است که افرادی که دارای سلامت جسمی هستند به‌سوی کسالت پیری درحرکت‌اند؟!

آن زمان را دور نبینید، الآن لحظه مرگ و وقت انتقال است، چراکه هرلحظه تمام شد و به ابدیت پیوست. درحالی‌که دردها و غصه‌ها افراد را دربر گرفته است و در آن زمان از کسی نمی‌توان کمک گرفت. آیا در آن لحظه نزدیک و دوستی برای کمک است؟! هرچه قدر علم بشر پیشرفت کند تغییری در این حالات حاصل نخواهد شد. بلکه این علم جولانی در دایره‌ای محدود است و تفاوتی در معادلات کلان خلقت ایجاد نخواهد کرد.

لذا علم الهی بر همه علوم تفوق دارد. کسی تاکنون نتوانسته این مسیر را تغییر دهد. او در مکانی تنگ محصورشده و حشرات پوست او را از بین برده‌اند و بدنش از بین رفته و باد از او اثری بر جا نگذاشته است. جسدها پاره خاکی شده‌اند و جان‌ها درگرو اعمالی است که فرستاده‌اند.

1. 1ـ نهج البلاغة؛ ص: 76. [↑](#footnote-ref-1)